

توسعه تولیدات علمی دانشگاه‌ها و اولویت‌بندی رهیافت‌های فرهنگی و مدیریتی؛ بررسی دیدگاه اعضای هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم

سیف‌الله فضل‌الهی*

چکیده

هدف این تحقیق شناسایی و طبقه‌بندی رهیافت‌های فرهنگی و مدیریتی توسعه تولیدات علمی در دانشگاه‌ها براساس دیدگاه اعضای هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم است. روش تحقیق علاوه بر تحلیل اسنادی، توصیفی از نوع پیمایشی و همبستگی است. جامعه آماری شامل کل اعضای هیأت علمی، و نمونه آماری ۶۰ نفر از آنان بودند که به روش تصادفی طبقه‌ای و ساده انتخاب شدند. ابزار جمع‌آوری اطلاعات، پرسشنامه محقق‌ساخته دارای اعتبار صوری مطابق نظرات متخصصان موضوعی بود و برای تجزیه و تحلیل اطلاعات از میانگین، همبستگی رتبه‌ای اسپیرمن براون، T کندانال و z فیشر استفاده گردید. یافته‌ها نشان داد از اولویت‌دارترین رهیافت‌ها به ترتیب می‌توان به تدوین استراتژی و نقشه کلان علمی، رسیدگی به وضعیت معیشتی اندیشمندان، اعمال سیاست‌های واقع‌بینانه و مشخص برای فعالیت‌های پژوهشی، ترسیم اهداف روشن و مبتنی بر تعامل علم و جامعه، فرهنگ‌سازی برای ایجاد یک جامعه علمی به معنای واقعی کلمه و نهادینه شدن علم، سپردن مدیریت مراکز علمی به افراد فرهیخته و برخوردار از مشی علمی، رهیدن از قوانین سخت و بازدارنده اداری به ویژه برای استخدام نخبگان و ارتقای فرصت‌های مطالعاتی، استقرار حاکمیت قانون به جای سلاقی شخصی، بهینه‌سازی بهره‌گیری از منابع و امکانات، و پرهیز از مدیریت سیاسی و جناحی در مراکز علمی اشاره کرد.

کلیدواژه‌ها: رهیافت‌های فرهنگی و مدیریتی، توسعه و تولید علم، دانشگاه‌ها، اعضای هیأت علمی، دانشگاه آزاد اسلامی.

مقدمه

تعیین‌کننده‌ای در برنامه‌ریزی و استمرار جهش علمی یک جامعه، مثل جامعه ایرانی در سمت‌وسوی توسعه همه‌جانبه دارد. دانشگاه‌ها با برخورداری از سه ویژگی ثبات شغلی، آزادگی علمی و استقلال از دیگر سازمان‌ها قابل تشخیص هستند.^(۷) و مهم‌ترین تمایز دانشگاه‌ها، برخورداری آنها از نیروی انسانی متخصص و توانمند، یعنی اعضای هیأت علمی است که مدیریت صحیح، انگیزش مناسب و به‌موقع، رفع مشکلات رفاهی و اقتصادی و ایجاد دغدغه‌های علمی و روحیه تولیدی و حمایت مادی و معنوی و آموزش مستمر و ارتقا و روزآمد کردن آن، نقش بسزایی در تحقق اهداف علمی دارد.^(۸) از سوی دیگر، دانشگاه‌ها مهم‌ترین نهاد تربیت نیروی انسانی خلاق و متفکر محسوب می‌شوند و تأثیر گسترده‌ای بر فرهنگ، امور سیاسی، نوآوری و خلاقیت دارند و بر آفرینش و ترویج دانش در جوامعی که نخبگان علمی و پژوهشی آن اندکند کمک می‌کنند و یقیناً مرز بین جوامع پیشرفته و عقب‌مانده تا حد زیادی بستگی به میزان تولیدات علمی آنان در جامعه دارد.^(۹) بدیهی است عدم اعتنا و بهای کافی قایل نشدن برای مکان‌ت والای علم، پویایی و تحرک لازم علمی را از اجزای نظام دانشگاهی، اعم از هیأت علمی و دانشجو سلب می‌کند و هدفمندی این نهاد را که در عرضه نوآوری معطوف به شکوفایی نقش اساسی دارد، به طور جدی در معرض آسیب قرار می‌دهد.^(۱۰) عدم پویایی ناشی از فقدان جایگاه شایسته نهادهای مولد علم، آنان را به روزمرگی کشانده، همچون سمی مهلک حیات و پویایی در عرصه نوآوری را تهدید می‌کند. مسلماً گرایش نظام آموزشی در تداوم و حفظ عناصر و اجزائی که کارایی خود را از دست داده‌اند از موانع سازگاری و پیشرفت محسوب می‌شوند.^(۱۱)

از بارزترین شاخص‌های توسعه هر کشوری، توان و ظرفیت تولید علمی و فنی است و اصلی‌ترین مراکز تولید علم دانشگاه‌ها و حوزه‌های علمیه هستند. فرهنگ عصاره زندگی اجتماعی و راه‌کارهای فرهنگی در تولید علم و برنامه‌ریزی برای استمرار رشدیافتگی اجتماعی و فرهنگی یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر است.

توسعه به معنای بهبود زندگی برای همگان، نیاز اساسی آحاد ملت‌هاست و بهترین رکن توسعه و سرمایه آن، توسعه فرهنگی،^(۱) و محور پایدار آن، انسان‌های سالم و کاربلد است.^(۲) فرهنگ، عصاره زندگی اجتماعی است که تمامی افکار، اهداف، معیارها، ارزش‌ها، فعالیت‌های انسان و ضوابط فردی و اجتماعی در آن منعکس می‌شود^(۳) و به منزله خون در رگ‌های جامعه است که شرایط طبیعی را فراهم ساخته و آن را از آفات پراکنده شدن مصون نگه می‌دارد و امکان فعالیت را برای تمامی قسمت‌ها مهیا می‌کند.^(۴) یکی از بارزترین شاخص‌های توسعه فرهنگ هر کشوری، توان و ظرفیت تولید علمی و فنی است و در این بین، از اصلی‌ترین مراکز تولید علم، دانشگاه‌ها و مراکز عالی آموزشی و پژوهشی و حوزه‌های علمیه هستند که کارکرد مهم آنها تولید دانش و انتقال و اشاعه آن در جهت توسعه فرهنگ و راه و روش زندگی عموم مردم جامعه است.^(۵) به عبارت دوم، به طور کلی، در اقتصاد دانش‌محور و نظام ملی، نوآوری و بر اساس رویکرد سیستمی، وظیفه و کارکرد دانشگاه‌ها تولید دانش، آموزش و تربیت نیروی انسانی کارآمد و ماهر و انتشار و انتقال آن است.^(۶) عوامل فرهنگی و مدیریتی نه تنها در توسعه و تولید علم در دانشگاه‌ها می‌تواند به عنوان یک مانع جدی قلمداد شود، بلکه شناسایی رهیافت‌های فرهنگی، اجتماعی و مدیریتی نقش

قدرت خلاقیت، نوآوری، شکوفایی و میزان پذیرش یک عنصر جدید در جامعه از عوامل مؤثر در سازگاری فرهنگی است. جوامع برخوردار از این پویایی به موقع عناصر جدیدی را ابداع نموده و آن را به نظام فرهنگی خود می‌افزایند و چون این عناصر درونزا هستند، با نیازهای جامعه نیز تطبیق دارند. پرواضح است که برخورداری از تفکر و بینش علمی و ضرورت برقراری کنش فرهنگی با علم و دانش، و تغییر هدف نظام آموزشی از «حفظ کردن» به «دانستن»، کلید حل معما خواهد بود.^(۱۲) در غیر این صورت، جامعه فاقد کردار علمی، و دستخوش نوعی بی‌رسالتی و دچار بی‌سوادی علمی یا نبود فرهنگ علمی خواهد بود.^(۱۳) اکتفا به حفظ و انتقال تعاریف و مفاهیم به جای تلاش در ایجاد روحیه خلاقیت و نوآوری در تولید مفاهیم یا دست‌کم مشارکت در آن، عملاً موجب تعطیلی اندیشه و فکر در جامعه، و نیز ترویج نظام تقلید و مصرف در فرهنگ، تفکر و اندیشه می‌شود و از تبدیل علم‌پژوهی به فرهنگ عمومی جلوگیری می‌گردد.^(۱۴) کارآمدسازی دانشگاه‌ها در عرصه تولید علم و دانش، تا حد زیادی در گرو پذیرش اصل ضرورت دگرگونی و اجتناب از دست‌یابی و توسل جستن به یک اقتصاد سالم و فرهنگ جامع و روش‌های زندگی علمی است که به نظر می‌رسد با برنامه‌ریزی و ظرفیت‌سازی مناسب و ایجاد استراتژی‌های بومی شده و منطقی، دسترسی به جایگاه علمی مناسب شأن کشورمان دور نخواهد بود.

فرهنگ از جمله واژه‌ها و مفاهیم علوم تجربی و انسانی است که با وجود کاربرد فراوان، اتفاق نظر چندانی بر سر تعریف آن وجود ندارد. علت این مسئله، تنوع و گستردگی دیدگاه‌ها، برداشت‌های متفاوت پژوهشگران و پیچیدگی و سیالیت در زندگی اجتماعی است.^(۱۵)

فرهنگ در وسیع‌ترین شکل، به دو شیوه تفسیر می‌شود: یکی به عنوان کردارها و آدابی که تشکیل‌دهنده خود واقعیت اجتماعی هستند و دیگری، به عنوان چیزی که در گذشته، حوزه مجزایی از جامعه بوده و اکنون وارد همه جنبه‌های زندگی اجتماعی گردیده است.^(۱۶) از دیدگاه جامعه‌شناختی، فرهنگ به عنوان یک نظام ارزشی برای جامعه عمل می‌کند. به عبارت دیگر، نوعی سیمان است که با ارائه معانی مشترک، انسجام جمع را حفظ و از طریق تجسم بخشیدن به واقعیت یک گذشته خاص، و ارائه نمودی از آن، درونی‌ها را از بیرونی‌ها متمایز می‌سازد. از این حیث، مردم هر جامعه‌ای پیش از آنکه در زندگی روزمره به عقل خود مراجعه نمایند، از فرهنگ جامعه فرمان می‌گیرند.^(۱۷) در واقع، فرهنگ همچون جعبه ابزاری است که به ما کمک می‌کند تا جهان را درک کرده و بر آن عمل کنیم و نیز به مثابه یک منبع نهادهای احساسی و ارزشی است که به واسطه آن کسب هویت کرده، با جهت دادن به اعمال خود، آنها را توجیه می‌کنیم.^(۱۸) امروزه از فرهنگ به مثابه قدرت نرم یاد می‌شود. قدرت نرم، توجه ویژه به اشغال فضای ذهنی دیگران از طریق ایجاد جاذبه است. به عبارت دیگر، زمانی یک جامعه به قدرت نرم دست می‌یابد که بتواند اطلاعات یا دانایی را برای پایان دادن اختلافات به کار گیرد. اهمیت قایل نشدن به فرهنگ در مقام توسعه اقتصادی باعث گسست اجتماعی درون ملت‌ها و گسستگی جهانی میان کشورهای ثروتمند و فقیر شده است.^(۱۹) شریعت‌مداری معتقد است: فرهنگ یک جامعه عبارت است از افکار، عقاید، آرزوها، مهارت‌ها، ابزار و وسایل، امور مربوط به زیبایی، کارهای هنری، آداب و رسوم و مؤسسات که افراد این اجتماع در میان آنها تولد یافته و رشد می‌کنند.^(۲۰)

فرهنگ را از جهتی به فرهنگ مادی و فرهنگ معنوی

قدرت خلاقیت، نوآوری، شکوفایی و میزان پذیرش یک عنصر جدید در جامعه از عوامل مؤثر در سازگاری فرهنگی است. جوامع برخوردار از این پویایی به موقع عناصر جدیدی را ابداع نموده و آن را به نظام فرهنگی خود می‌افزایند و چون این عناصر درونزا هستند، با نیازهای جامعه نیز تطبیق دارند. پرواضح است که برخورداری از تفکر و بینش علمی و ضرورت برقراری کنش فرهنگی با علم و دانش، و تغییر هدف نظام آموزشی از «حفظ کردن» به «دانستن»، کلید حل معما خواهد بود.^(۱۲) در غیر این صورت، جامعه فاقد کردار علمی، و دستخوش نوعی بی‌رسالتی و دچار بی‌سوادی علمی یا نبود فرهنگ علمی خواهد بود.^(۱۳) اکتفا به حفظ و انتقال تعاریف و مفاهیم به جای تلاش در ایجاد روحیه خلاقیت و نوآوری در تولید مفاهیم یا دست‌کم مشارکت در آن، عملاً موجب تعطیلی اندیشه و فکر در جامعه، و نیز ترویج نظام تقلید و مصرف در فرهنگ، تفکر و اندیشه می‌شود و از تبدیل علم‌پژوهی به فرهنگ عمومی جلوگیری می‌گردد.^(۱۴) کارآمدسازی دانشگاه‌ها در عرصه تولید علم و دانش، تا حد زیادی در گرو پذیرش اصل ضرورت دگرگونی و اجتناب از دست‌یابی و توسل جستن به یک اقتصاد سالم و فرهنگ جامع و روش‌های زندگی علمی است که به نظر می‌رسد با برنامه‌ریزی و ظرفیت‌سازی مناسب و ایجاد استراتژی‌های بومی شده و منطقی، دسترسی به جایگاه علمی مناسب شأن کشورمان دور نخواهد بود.

فرهنگ از جمله واژه‌ها و مفاهیم علوم تجربی و انسانی است که با وجود کاربرد فراوان، اتفاق نظر چندانی بر سر تعریف آن وجود ندارد. علت این مسئله، تنوع و گستردگی دیدگاه‌ها، برداشت‌های متفاوت پژوهشگران و پیچیدگی و سیالیت در زندگی اجتماعی است.^(۱۵)

ب) عناصر تخصصی: امور و رفتارهایی که در حین انجام حرفه بخصوصی، مانند قضاوت و تدریس، بروز پیدا می‌کنند.

ج) عناصر اختراعی: راه‌ها و طرق انجام یا طرز فکر خاصی که نه تنها بین مردم عمومیت ندارند، بلکه تمام اعضای یک گروه نیز از آن پیروی نمی‌کنند.^(۲۶)

عوامل و فرایند تغییر فرهنگ

فرق میان فرهنگ و جامعه این است که جامعه مرکب از افراد است، در صورتی که فرهنگ شامل امور و اشیایی است که انسان به تدریج آموخته، خلق کرده و به آنها پی برده است. فرهنگ هر جامعه در حال تغییر است. دکتر شریعتمداری معتقد است: اولاً، تغییرات اجتماعی در سایه تغییر در عناصر ابداعی به وجود می‌آیند؛ یعنی اگر راه‌های تازه، افکار جدید و وسایل نو پیدا نشود تغییر مهمی در شئون زندگی جامعه رخ نمی‌دهد^(۲۷) و ثانیاً، تغییر فرهنگی زمانی رخ می‌دهد که این تغییرات از طریق عناصر تخصصی به عناصر عمومی منتقل شده، راه و رسم زندگی مردم را عمیقاً و به صورت اساسی متحول سازد. وی بر این اعتقاد است که عوامل مختلفی، از جمله تغییر علوم، فناوری، توسعه وسایل ارتباطی، تحول مذهب و عقاید دینی، تحول وضع خانواده‌ها، تحول مؤسسات تربیتی، تحول روابط مؤسسات اجتماعی، تحول وضع طبقه‌ای اجتماعات، تحول میزان‌ها و استانداردها، و ایده‌آل‌های اجتماعی و اخلاقی در تغییرات فرهنگی تأثیر دارند.^(۲۸) احمدی علی‌آبادی در تبیین از برنامه‌ریزی توسعه فرهنگی در ایران، ارتباطات و توسعه (تغییر نحوه نگرستن مردم به موضوع‌ها، اعمال، ارتباط آنها با یکدیگر و جهان اطرافشان)، ارتباطات و مشارکت (دموکراسی مشارکتی)، ارتباطات و اطلاع‌رسانی جهانی

تقسیم کرده‌اند.^(۲۱) فرهنگ مادی شامل همه وسایل و ابزار مادی است و آنچه به دست بشر از ماده طبیعی ساخته می‌شود؛ دست‌ساخته‌هایی که شیوه‌ها و فرایندهای ساخت و ساز آنها را می‌داند. فرهنگ معنوی نیز شامل ارزش‌ها، ایده‌ها و باورها، اندیشه‌ها و فن‌ها، دین، آداب و سنت‌ها، علوم و فلسفه و ادبیات و هنر و همه فرآورده‌های ذهنی انسان است.

فرهنگ شامل سه قسمت مهم است:^(۲۲)

الف) ابزار، تکنیک یا روش: ابزار موادی هستند که در انجام کارهای جامعه به کار می‌روند و تکنیک، راه به کار بردن ابزارهاست.

ب) نظم اجتماعی و مؤسسات آن: شامل قوانین و مقررات حاکم بر رفتار اجتماعی و طرز به کار بردن ابزار و تکنیک‌ها هستند.

ج) ارزش‌ها یا آنچه مردم یک جامعه بدان اعتقاد دارند: منظور از ارزش‌ها، ایده‌آل جامعه است و آنچه در نظر جامعه بزرگ‌تر و بااهمیت‌تر از سایر چیزها فرض می‌شود؛ مانند دموکراسی.

فرهنگ دارای سه لایه باورها ارزش‌ها و مصنوعات است.^(۲۳) از دیدگاه دیگری، اجزای فرهنگ شامل دانش‌های بنیادین، ارزش‌ها و نمادها هستند.^(۲۴) در دسته‌بندی دیگری، فرهنگ به تعریف‌های سنتی و کلاسیک، توصیفی، نمادگر، ایانه‌ساخت‌گر تقسیم شده است.^(۲۵)

از نظر فرهنگ اسلامی، پیوند به مفهوم کلیدی ادب با رویکرد متعالی، معنوی و جامع امر دین و دنیا، ظاهر و باطن تبیین می‌شود. فرهنگ و ادب به طور خاص دو نوع است: ادب خلق و ادب حق، ادب شریعت، ادب طریقت و ادب حقیقت. فرهنگ از سه عنصر زیر تشکیل شده است: الف) عناصر عمومی: اموری که در بین تمام مردم یک جامعه عمومیت دارند.

می‌شوند؛ زیرا امروز و آینده کشور را علم رقم می‌زند. توسعه علمی در تعاطی تأسیس و رشد، آشکارا از فرهنگ عمومی و ساختار اجتماعی تأثیر می‌پذیرد و نهاد علمی که محصول توسعه علمی است، کار پنهان یک جنبش اجتماعی می‌باشد و بدون رشد عقلانیت و انجام اصلاحات و تکیه بر خصوصیات فرهنگی تسهیل‌کننده امکان‌پذیر نمی‌باشد. (۳۲)

فرهنگ و تولید علم

فرهنگ از مهم‌ترین عناصر تولید علم است. (۳۳) فرهنگ تولیدکننده مستقیم علم نیست، بلکه به مثابه ظرفی است که در درون خود علم را می‌پروراند. حرکت علمی، یک حرکت جمعی و گروهی است و محتوای آن تابع حرکت روشمندی با تمام حوزه‌های مرتبط به هم است که چهار عنصر جهان‌بینی، مذهب، فرهنگ و آزاداندیشی (۳۴) در تولید آن نقش اساسی دارند. در زمینه تولید علم دو رویکرد کلی وجود دارد: (۳۵)

الف. رویکرد اصالت اقتصادی یا عمل‌گرایی: این دیدگاه بر بنیادهای اقتصادی و مادی دانش تأکید دارد و علم به عنوان ابزاری برای توسعه مادی انسان روزبه‌روز کامل‌تر می‌شود و ارزش آن در افزایش سود و منفعت بشری است. (۳۶) امروزه کاربرد وسیع دانش در اقتصاد نوین، باعث تغییر نگرش از اقتصاد متکی به منابع، به اقتصاد دانش‌محور شده است. (۳۷)

ب. رویکرد اصالت فرهنگی یا اندیشه‌گرایی: این دیدگاه که بر اهمیت جهان‌بینی در ظهور علمی غرب تأکید می‌کند و معتقد است: علم پیش از به دست آوردن استقلال ذاتی خودش، به عنوان یک نهاد اجتماعی، به منبع بیرونی مشروعیت نیاز داشت. در قرن هفدهم، ارزش‌های مذهبی و تا حدی تأکید بر ارزش نهادینه‌شده، سودمندی این

(پیشرفت شتابان فناوری‌های نظام اطلاع‌رسانی در جهان، تحقق عدالت، مردم‌سالاری، کاهش رنج‌ها، و کمک به حقوق انسانی و دینی در مردم) و روند توسعه وسایل ارتباط جمعی، پدیده‌های جهانی شدن افکار عمومی تحت تأثیر این وسایل، افزایش اوقات فراغت و کاهش فعالیت‌های جهانی، و تعاون و همکاری را از دلایل دیگر تغییر فرهنگ برشمرده است. (۲۹)

در سند چشم‌انداز ۲۰ ساله نظام جمهوری اسلامی ایران، متغیرهایی از جمله، رشد فرهنگ، رسیدن به توسعه‌ای مناسب با مقتضیات فرهنگی، رسیدن به موفقیت الهام‌بخش در جهان اسلام، رسیدن به توسعه‌ای متناسب با هویت اسلامی و انقلابی، آزادی‌های مشروع، ایجاد جامعه‌ای مفتخر به ایرانی بودن، ایجاد جامعه‌ای مسئولیت‌پذیر، ایجاد جامعه‌ای ایثارگر، مؤمن و رضایت‌مند، برخورداری از دانش پیشرفته، رفع فقر، فساد و تبعیض، مردم‌سالاری دینی، رشد آموزشی، رشد پژوهشی، فرصت‌های برابر، برخورداری از وجدان‌کاری، برخورداری از انضباط، روحیه تعاون، جنبش نرم‌افزاری و تولید علم و فناوری، جامعه نواندیش، جامعه اخلاقی، و حفظ کرامت انسان، به عنوان متغیرهای فرهنگی لحاظ شده است. (۳۰) در تحلیل دیگری، مشکینی به نقل از فرمبینی *فراهانی*، (۳۱) این سند را حاوی چهار محور هویت اسلامی، انقلابی، توسعه همه‌جانبه، احراز جایگاه نخست در منطقه و الهام‌بخشی در جهان اسلام می‌داند که به نظر می‌رسد مهم‌ترین رکن آن توسعه فرهنگ و روش زندگی از طریق تولید علم و جنبش نرم‌افزاری و دسترسی به فناوری مناسب در عرصه‌های مختلف است. اگر علم توسعه یافت و مؤثر واقع شد، دست‌یابی به عدالت اجتماعی، آزادی، مدیریت شایسته و شایسته‌سالاری، حقوق انسانی و اجتماعی به عنوان اهداف اصلی میسر

حساس بودن تحقیقات علمی، و در حوزه نگرشی، برخورداری از دیدگاه مثبت نسبت به پژوهش برای ارتقای جامعه، از موانع موردنظر اعضای هیأت علمی دانشگاه‌ها می‌باشد و موانع نگرشی مهم‌ترین شناخته شدند.

پادیار، در پایان‌نامه خود تحت عنوان «بررسی موانع انجام پژوهش در بین اعضای هیأت علمی گروه‌های علوم انسانی دانشگاه‌های اصفهان و منطقه غرب کشور» با انتخاب یک نمونه آماری ۱۳۴ نفری دریافت مقررات مالی دست و پاگیر، کمبود تسهیلات، نداشتن توانایی حرفه‌ای برای پژوهش، پایین بودن انگیزه، پایین بودن جایگاه پژوهش، نظام اداری، محدود بودن شبکه‌های اطلاع‌رسانی، تراکم برنامه‌های درسی و عدم برگزاری کارگاه‌های پژوهشی بیش از حد به عنوان مانع تأثیرگذار می‌باشند.

عنبری با مطالعه دیدگاه اعضای هیأت علمی دانشگاه علوم پزشکی اراک پیرامون مشکلات موجود در انجام فعالیت‌های پژوهشی، و تجزیه و تحلیل اطلاعات جمع‌آوری شده از ۱۱۷ نفر نمونه که برابر کل جامعه آماری بود، نشان داد بالا بودن ساعات موظف تدریس و پایین بودن میزان تسلط به زبان انگلیسی از مهم‌ترین عوامل بازدارنده پژوهش بوده و کیفیت ضعیف داوری تألیفات و متون ترجمه‌شده، طولانی بودن فواصل تشکیل شورای تألیف و ترجمه، کندی روند بررسی و تصویب مقالات و درآمدزایی کم تحقیق نسبت به حق‌التدریس از موانع مهم دیگر می‌باشد.

عطارزاده در مقاله‌ای تحت عنوان «ناکارآمدی دانشگاه در روند پیشرفت علمی و فرهنگی کشور» نشان داد: اولاً، از موانع مهم تولید علم، کمی‌گرایی و تأکید بر افزایش عملکرد آماری است و ثانیاً، ایجاد اعتقاد و پایبندی به این باور که در جامعه نوین دیگر واحد فرد نیست، بلکه ساختار است. گرچه هدف، اعتلای زندگی مادی و معنوی افراد است. (۴۰)

مشروعیت را فراهم ساخت. (۳۸) این دیدگاه، هنجارها و ارزش‌های فرهنگی را زمینه اجتماعی مؤثر بر علم می‌داند که زمینه مشروعیت و توسعه علمی را فراهم می‌کند. اندیشه‌گرایی بر استقلال و خلوص علم از طریق اخلاقیات به رفتارهای دانشمندان سمت‌وسوداده، به آن معنا می‌بخشد.

موانع فرهنگی تولید علم

صادقی، که مشکلات رشته‌های علوم انسانی را از دیدگاه اساتید دانشکده علوم انسانی دانشگاه اصفهان مطالعه کرده، دریافت که فراهم نبودن امنیت شغلی و رفاه اجتماعی و اقتصادی، موجب کم‌توجهی آنان به تحقیقات انسانی می‌شود. ۵۳ درصد از اساتید، فقدان مراکز تحقیقاتی فعال در حوزه علوم انسانی را در بی‌علاقگی به پژوهش مؤثر دانستند و ۹۷ درصد نیز فشار و تراکم برنامه‌های درسی را به عنوان مانع تأیید کردند.

برات‌پور، در بررسی عوامل تأثیرگذار بر فعالیت‌های علمی - پژوهشی از دیدگاه اعضای هیأت علمی گروه‌های کتابداری دانشگاه‌های دولتی ایران نشان داد: عوامل فردی، اجتماعی، اقتصادی، رفاهی و بروکراسی اداری در فعالیت‌های مذکور مؤثر بوده و عوامل بروکراسی اداری با میانگین ۳/۹۴ درصد بیشترین تأثیر، و عوامل اقتصادی با ۳/۶۱ درصد کمترین تأثیر را دارند. عوامل اجتماعی با ۳/۹۳ درصد در جایگاه دوم، عوامل انگیزشی با ۳/۸۵ درصد سوم، و عوامل رفاهی و حمایتی با ۳/۸ درصد در جایگاه چهارم قرار گرفته‌اند. (۳۹)

دادخواه در مقاله خود نشان داد: در حوزه موانع شخصی، مشغله کاری و در حوزه درون‌سازمانی، پایین بودن حق‌التحقیق نسبت به زمان صرف‌شده و در حوزه بیرون‌سازمانی، بسی تأثیر بودن نتایج تحقیق در تصمیم‌گیری‌ها، در حوزه ماهیت تحقیق، ظریف و

خواص و عوام، فقیر و غنی و... و تأثیر آن بر حوزه اندیشه، شیوه کاسب‌کاری و سودجویی در آموزش و تحقیق و استفاده ابزاری از علم (مدرک‌گرایی)، نظام ارزش‌گذاری مبتنی بر ثروت، قدرت و روابط شخصی تا مرتبه علمی و خردورزی در جامعه، و ضعف نهادهای ارتباطی علمی که سازوکار جذب و هضم تعریف‌شده علوم و فنون جدید را محقق نکرده است.^(۴۳)

از موانع دیگر، می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد: ضعف روحیه همکاری گروهی و جمعی، سرخوردگی نیروهای نخبه و نارضایتی و برون‌گرایی و برخورد منطقی با مسائل، بی‌توجهی به هوش و استعداد داوطلبان ورود به حوزه علم، پایین بودن آگاهی اعضای هیأت علمی از اطلاعات روزآمد در رشته تخصصی خود، ضعف وفاق فکری بین نخبگان به همه اصول و قواعد عمل جمعی، ضعف تعهد جمعی فعالان حوزه علم در برابر اصول و قواعد حاکم بر فعالیت‌های علمی و اخلاق نظری، عدم امنیت جانی، مالی، اجتماعی و فکری، عدم استقلال دانشگاهی به ویژه در حوزه علوم اجتماعی، دیوان‌سالاری و غلبه فرهنگ اداری بر فرهنگ علمی، تعدد مراکز تصمیم‌گیری، حاکمیت سیاسی و رعایت نشدن ضوابط دانشگاهی در انتخاب مدیران، ضعف اعتماد متقابل بین اعضای علمی و مدیران، ضعف مشارکت جمعی بین دانشگاهیان در اداره امور مربوط به خود، محدودیت فضای آزاد برای گفت‌وگوی خردمندانه و تبادل و نقد اندیشه، ضعف تعاملات علمی، عدم دسترسی به موقع به امکانات و لوازم آموزشی - پژوهشی، عدم بهره‌برداری بهینه از امکانات و منابع فکری و نیروی انسانی متخصص، استفاده نکردن از ظرفیت علمی دانشگاه‌ها و مراکز علمی به صورت صحیح، ضعف تخصص‌گرایی و نامشخص بودن جایگاه و نقش

محمدی، فضل‌الهی و ایزدی در مطالعه خود با انتخاب ۱۳۲ نفر به عنوان نمونه، به این نتیجه رسیدند که به طور کلی ۵۴/۷ درصد از اساتید مسائل و مشکلات اقتصادی، ۵۲/۲ درصد بی‌توجهی جامعه به تولیدات علمی، ۵۵/۳ درصد در اولویت بودن برنامه‌های آموزشی در مقایسه با برنامه‌های پژوهشی از سوی مسئولان ۵۲/۳ درصد تدریس بیشتر از حد در مراکز آموزش عالی و ۴۷/۷ درصد بالا بودن میزان تدریس موظفی اساتید را از عوامل مؤثر در عدم گرایش به فعالیت‌های پژوهشی می‌دانند.^(۴۱)

معین در مقاله‌ای، ضعف اعتماد به نفس و خودباوری، تقلید و خودباختگی و نیز حیرت‌زدگی در برابر تحولات جدید غرب، گسستگی از معارف و فرهنگ ملی و دینی، ناپیوستگی با فرهنگ و مفاخر ملی و اسلامی (استفاده ابزاری از دین و علم، دنیا‌گرایی و صوفیگری، جزم‌اندیشی و تعصب جاهلانه، خردستیزی و نمادگرایی به جای مفهوم‌گرایی علمی و دینی، و دولتی شدن مراکز علمی و دینی و...)، نبود فرهنگ علمی و فنی در جامعه و دسترسی نداشتن همگان به اطلاعات و منابع علمی، ضعف روحیه و اخلاق جست‌وجوگری، پرسشگری و طرح مسئله در فرهنگ عمومی (فقدان فرهنگ تحقیق)، ضعف در گفتمان علمی اعم از بحث، نقد، تبیین نگرش‌ها و یافته‌های علمی، نظری و فنی جامعه و بی‌توجهی به ارزش زمان و اغتنام فرصت‌ها در متن فرهنگ عمومی را به عنوان عناصر توسعه‌نیافتگی فرهنگی طرح می‌کند.^(۴۲)

همچنین ضعف علوم انسانی و اجتماعی از یک‌سو، ناپیوستگی روند توسعه علوم را در پی داشته، و از سوی دیگر، باعث نارسایی مدیریت و قدرت تفکر مسئولان جامعه می‌شود. برخی از آثار توسعه‌نیافتگی درون‌زای علمی و فرهنگی را می‌توان این‌گونه برشمرد: غلبه مصرف‌گرایی در علم و فناوری، طبقاتی شدن جامعه به

در مورد موانع یادشده بر میزان تحقیقات تأثیری نداشت. البته بین دیدگاه اعضای هیأت علمی به تفکیک جنسیت، مرتبه علمی، رشته تحصیلی، دانشکده و مسئولان اجرایی تفاوت معناداری وجود داشت و در مورد سابقه خدمت تفاوت معناداری مشاهده نشد.

عطارزاده در تحقیق خود کارآمدی دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی عالی کشور در پاسخ به انتظار برحق تولید علم و نوآوری را در اطلاع به‌هنگام از واقعیت‌های موجود در عرصه تولید علم جهانی و آمادگی کافی به منظور همراهی با این دگرگونی‌ها می‌داند و معتقد است: در حوزه نظام آموزش عالی که هدف تولید علم به عنوان برون‌داد نهایی از آن انتظار می‌رود سامان‌دهی و هماهنگی بین بخش‌های مختلف ضروری است. همچنین معتقد است: کم‌رنگ شدن روحیه خلاقیت، نوآوری و پژوهش از جمله آفت‌هایی است که مقام رفیع نهادهای مولد دانش از جمله دانشگاه‌ها را تا سرحد دیگر نهادهای تکرارکننده الفبای علم پایین می‌آورد. (۴۷)

بخشی و بهاری در مقاله‌ای درک مقتضیات و تحولات زمان و نقد و تنقیح دستاوردهای فرهنگی جوامع بشری و استفاده از نتایج قابل انطباق با اصول و ارزش‌های اسلامی، فراتر رفتن از عرصه منافع محلی و انفرادی و واکنش‌های منفعلانه، واقع‌بینی آگاهانه در قبال جنبه‌های مختلف اقتصادی، بخصوص فرهنگ جهانی شدن، درک کاستی‌ها و ناکارآمدی‌ها و شناخت ظرفیت‌های فرهنگی جامعه، شناخت سازگاری و کارآمدی فرهنگ بومی و تعامل مؤثر آن با سایر فرهنگ‌ها را از عوامل موفقیت دانشگاه‌ها می‌دانند. (۴۸)

حاجیلری در مقاله خود نشان داد که شکل‌گیری تجربیات منفی در فعالیتهای گروهی، زمینه مشارکت افراد در کارهای جمعی را در آینده با چالش مواجه

دانشگاه‌ها و نهادهای علمی کشور، ضعف پیوند دانشگاه با جامعه، ضعف تعاملات علمی دانشگاه‌ها و نهادهای علمی کشور با دانشگاه‌ها و نهادهای علمی خارج از کشور، ضعف نظام اطلاع‌رسانی، عدم برنامه‌ریزی صحیح توسعه علمی، و مبهم بودن اهداف و سیاست‌های بلندمدت. (۴۴)

کورکی در مقاله خود با مطالعه توصیفی - مقطعی به صورت سرشماری و مراجعه به ۲۶۰ نفر و بهره‌گیری از پرسشنامه، نشان داد: زیادی مشغله در امور آموزشی (تدریس یا درمان)، دشواری انجام پروژه‌های اصیل پژوهشی و گزارش نتایج به صورت مقاله، طولانی بودن زمان ارائه تا چاپ مقالات در مجلات علمی، و نداشتن تسلط کافی به زبان انگلیسی به ترتیب با میانگین‌های ۳/۸۹، ۳/۸۸، ۳/۸۴ و ۳/۸۳ بیشترین تأثیر را داشته‌اند. (۴۵)

رسول‌آبادی در یک مطالعه با جمع‌آوری اطلاعات از ۱۴۰ نفر، نشان داد که ۵۸/۷ درصد از جامعه مورد مطالعه با استراتژی جست‌وجو آشنا نبوده و ۴۲/۲ درصد اصلاً آن را به کار نمی‌برند. فقط ۴۴ درصد قادر به بازیابی اطلاعات موردنیاز خود به میزان زیاد و خیلی زیاد بودند و ۷۷/۶ درصد در مجلات خارجی و ۲۸ درصد در مجلات داخلی مقاله‌ای ندارند. ۶۲ درصد هیچ تألیف و ترجمه‌ای و ۳۴ درصد اصلاً طرح تحقیقاتی نداشته‌اند. (۴۶)

کریمیان در پایان‌نامه خود موانع فعالیت‌های تحقیقاتی در دانشگاه از دیدگاه اعضای هیأت علمی دانشگاه علوم پزشکی شیراز را مطالعه کرد. او با انتخاب یک نمونه ۲۲۷ نفری به شیوه تصادفی و طراحی پرسشنامه و جمع‌آوری اطلاعات، دریافت که مطابق آزمون‌های تحلیل واریانس متغیر، شاخص لامبدای ویکلز و آزمون گروه‌های مستقل در آزمون تعقیبی توکی، موانع مالی بیشترین و موانع سیاسی کمترین میانگین را به خود اختصاص می‌دهند، اما نگرش اعضای هیأت علمی

ویژه علوم نظری و تجربی در مجلات معتبر بین‌المللی، نوآوری، ارائه نظریه علمی و خلق آثار بدیع علمی و هنری، فرایند خاصی است که نظام آموزشی و پژوهشی مجامع حوزوی و دانشگاهی را به گونه‌ای عالمانه تغییر می‌دهد؛ یعنی تبدیل ویژگی مصرف‌کنندگی این مراکز، به تولید علم و نظریه‌پردازی. ثانیاً، بررسی تولید علمی طی سال‌های ۱۹۹۹ تا ۲۰۰۳ در نشریات ISI نشان می‌دهد در این سال‌ها ایران با ۴۹۸۶ رکورد علمی ثبت شده در این پایگاه‌ها حضور داشته است. در سال ۲۰۰۸ تعداد اسناد علمی نمایه شده ایران در علوم پایه ۱۳۴۲۴ (۹۳ درصد مقدار جهانی)، در علوم اجتماعی ۴۸۷ (۲۴ درصد مقدار جهانی) و در علوم انسانی و هنر ۳۶ (۳ درصد مقدار جهانی) می‌باشد و در بین گروه‌های تحصیلی علوم پایه با ۴۹/۸۵، علوم پزشکی با ۲۲/۳۵، فنی با ۴۳/۱۹، کشاورزی و دامپزشکی با ۵/۷ و علوم انسانی با ۷/۲ درصد تولید علمی ایران را به خود اختصاص داده‌اند. (۵۱)

وضعیت نشانگر توانایی ایران در زمینه رشد تولیدات علمی است، اما لزوم توجه به علوم انسانی همچنان احساس می‌شود. ثالثاً، بحران‌آفرینی‌های سیاسی و فرهنگی، گسستگی و شکاف جدی بین علم و فناوری، عدم توانایی جذب افراد برجسته و حفظ نیروهای موجود، تشابه سازوکارهای دانشگاهی به دستگاه‌های کارمندی، عدم وجود نشاط و سرزندگی در دانشگاه‌ها و عدم وجود دیدگاه صحیح در مورد تحقیقات، از جمله موانع تولید علم در ایران محسوب می‌شوند. رابعاً، تشویق تولیدات علمی و تولیدکنندگان علم و اندیشه، بسترسازی مناسب برای فعالیت‌های علمی، تقویت نظریه‌پردازی و کیفیت بخشی به فعالیت‌های پژوهشی، اعتباربخشی به مراکز علمی، نواندیشی مدیران، ایجاد مدیریت پژوهشی مناسب، حمایت‌های مالی از تولیدات

می‌سازد و در فرایند جامعه‌پذیری، سن اهمیتی مضاعف دارد. در سنین پایین، آموختن آسان‌تر شکل می‌گیرد و فرهنگ‌سازی متون آموزشی و همچنین یافتن راه کارهای مؤثر برای گسترش کار جمعی با توجه به ساختار فرهنگی مردم ایران، می‌تواند زمینه‌های لازم را برای تقویت گرایش افراد به کار جمعی و گروهی فراهم سازد و فرهنگ‌سازی بسیاری از موانع و مشکلات پیش‌روی توسعه فرهنگ کار گروهی را باید در حوزه فرهنگ عمومی جست‌وجو کرد. توسعه ارتباطات و تعاملات بین فرهنگی در جامعه امروز و تمایز ساختاری پیش آمده و تخصصی شدن حوزه‌ها، کنش اجتماعی را از حرکت به سوی حرکت‌های جمعی ناگزیر کرده است. فرهنگ‌سازی مشارکت گروهی در اجرای طرح‌های پژوهشی و علمی، به عنوان یکی از پیش‌شرط‌های توسعه علمی در دنیای امروز است. (۴۹)

فضل‌الهی در مقاله خود به صورت توصیفی و با سنجش دیدگاه ۲۲۶ نفر نمونه آماری به صورت تصادفی طبقه‌ای و پرسشنامه محقق‌ساخته نشان داد: مهم‌ترین موانع بازدارنده تولید علم به ترتیب موانع انگیزشی، اقتصادی، اداری و بروکراتیک، خدمات علمی و پژوهشی و فردی مربوط به توانمندی‌های فنی و تخصصی هستند. همچنین تأکید به آموزش محوری به جای پژوهش محوری، عدم توجه به ایجاد انگیزه استادان برای مشارکت فعال در همایش‌های علمی پژوهشی، نامناسب بودن فرایند تشویق اعضای هیأت علمی به انجام تحقیقات، و محدودیت مراکز انتشار مقالات علمی از مهم‌ترین موانع تولید علم محسوب می‌شوند. (۵۰)

نوروززاده و همکاران در مقاله‌ای نشان دادند که اولاً، تولید علم، نظریه‌سازی است؛ نظریه‌ای که به خلق می‌انجامد. چاپ مقالات علمی در حوزه‌های علمی به

جدول شماره ۱: ویژگی‌های جمعیتی نمونه مورد مطالعه

متغیر	گروه‌ها	فراوانی	درصد
رشته تحصیلی	علوم انسانی	۲۶	۶۳/۴۱
	علوم پایه	۶	۱۴/۶۳
	پزشکی	۲	۴/۸۷
تحصیلات دانشگاهی	فنی و مهندسی	۴	۹/۷۵
	دکتری	۹	۲۲
	دانشجوی دکتری	۸	۲۰
	کارشناسی ارشد	۲۰	۴۹
رتبه علمی	مربی	۲۲	۵۴
	استادیار	۵	۱۲
	دانشیار	۲	۵
	استاد	۱	۲
سابقه هیأت علمی	۵- سال	۷	۱۷
	۵-۱۰ سال	۷	۱۷
	۱۰-۱۵	۱۴	۳۴
	۱۵-۲۰ سال	۳	۷
آثار علمی منتشر شده	۲۰ سال و بالاتر	۱	۲
	ISI	۷	۲
	علمی - پژوهشی	۵۱	۱۴
	علمی - ترویجی	۹۶	۲۷
	تألیف کتاب	۶۱	۱۷
	ترجمه کتاب	۱۲	۳
	طرح پژوهش	۷۰	۱۹
	راهنمایی رساله دکتری	۳	۱
راهنمایی پایان‌نامه کارشناسی ارشد	۵۶	۱۶	
جمع		۳۵۶	۸۰۰

مطابق داده‌های جدول، از نظر رشته تحصیلی، بیشترین تعداد (۲۶ نفر) علوم انسانی و کمترین تعداد (۲ نفر) علوم پزشکی بودند. در خصوص سطح تحصیلات دانشگاهی، اکثریت (۴۹ درصد) کارشناسی ارشد بودند و به لحاظ رتبه علمی، اکثریت (۵۴ درصد) مربی بودند و فقط یک نفر (۲ درصد) استاد بود. در مورد سابقه عضویت در هیأت علمی، بیشترین تعداد (۱۴ نفر) بین

علمی می‌تواند در تولید علم، و توسعه پژوهشگری نقش داشته باشد.

روش

پژوهش حاضر از نظر هدف، یک مطالعه کاربردی، و به لحاظ شیوه جمع‌آوری اطلاعات، توصیفی، پیمایشی و همبستگی است. جامعه آماری شامل اعضای هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم در نیم سال دوم سال تحصیلی ۸۹-۸۸ (شاغل در دانشکده‌های علوم انسانی، علوم پایه، پزشکی و فنی مهندسی) بودند و نمونه آماری شامل ۶۰ نفر از آنان بود که به صورت تصادفی طبقه‌ای و تصادفی ساده انتخاب شدند.

ابزار جمع‌آوری اطلاعات، پرسشنامه محقق ساخته حاوی تعداد ۳۰ مؤلفه بود که پس از منبع‌شناسی و مطالعه مقاله‌های تدوین شده موجود (۲۵ مقاله)، با همکاری متخصصان و صاحب‌نظران، جمع‌بندی، ویرایش و اعتباریابی صورتی گردید. این پرسشنامه که به صورت موضوعی تنظیم شده بود، از آزمودنی‌ها می‌خواست پس از مطالعه، به ترتیب اهمیت و اولویت از یک تا ۵ نمره‌گذاری نمایند. برای جمع‌آوری اطلاعات، پرسشنامه‌ها با حضور محقق توزیع، و همزمان گردآوری شدند. پس از بررسی و کنار گذاشتن اطلاعات ناقص و غیرقابل استفاده، در مجموع تعداد ۴۱ مورد از آنها در تجزیه و تحلیل مورد استفاده قرار گرفت. برای تجزیه و تحلیل اطلاعات از آمار توصیفی، برای تعیین میانگین، درصد، ضریب همبستگی رتبه‌ای اسپیرمن براون و آمار استنباطی در حد آزمون T کندال و آزمون Z فیشر برای مقایسه همبستگی گروه‌ها و تعیین معنی‌دار بودن آن استفاده شده است. جداول زیر وضعیت داده‌های جمع‌آوری شده را نشان می‌دهد.

داده‌های جدول شماره (۲)، رتبه‌بندی مؤلفه‌های تعیین‌شده را به تفکیک سه گروه کل اساتید، اساتید علوم انسانی و علوم پایه و پزشکی نشان می‌دهد. بررسی توصیفی اطلاعات گویای این است که از دیدگاه اعضای هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی (کل دانشگاه)، بیشترین میانگین (۴/۴۱) مربوط به تدوین استراتژی و نقشه کلان علمی است که در کل با کسب نمره ۱۸۱، در جایگاه نخست قرار گرفته است. پس از آن، رسیدگی به وضعیت معیشتی اندیشمندان با میانگین ۴/۳۵ در رتبه ۲ و اعمال سیاست‌های واقع‌بینانه و مشخص برای فعالیت‌های علمی - پژوهشی با میانگین ۴/۳۲ در رتبه سوم قرار گرفتند. همچنین از دیدگاه اساتید علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی، تدوین استراتژی و نقشه کلان علمی، اعمال سیاست‌های واقع‌بینانه و مشخص برای فعالیت‌های علمی و رسیدگی به وضعیت معیشتی اساتید و اندیشمندان در رتبه‌های اول تا سوم قرار گرفتند. از نظر اساتید علوم پایه و پزشکی نیز به ترتیب سپردن مدیریت مراکز علمی به افراد فرهنگی و دارای مشی علمی، رهیدن از قوانین بازدارنده اداری برای استخدام اساتید توانمند و ارتقای فرصت‌های مطالعاتی و ترسیم هدف‌های روشن و مبتنی بر تعامل علم و جامعه به همراه اعمال مدیریت علمی برای اداره کردن مراکز دانشگاهی و آکادمیک از مؤثرترین و اولویت‌دارترین رهیافت‌ها برای توسعه تولیدات علمی در مراکز یادشده در رتبه‌های اول تا سوم قرار گرفتند.

۱۵-۱۰ سال و متوسط سابقه هیأت علمی آنان ۱۰ سال بوده است. اطلاعات گویای این است که آثار علمی منتشرشده توسط آزمودنی‌ها ۳۵۶ مورد بود که بیشترین تعداد (۹۶ مورد) مقاله علمی - ترویجی و پس از آن، به ترتیب: تألیف کتاب (۶۱ مورد)، مقاله علمی - پژوهشی (۵۱ مورد) و ISI (۷ مورد) قرار دارند و ۷۰ مورد طرح پژوهشی با مراکز علمی، در کنار ۳ مورد راهنمایی رساله دکتری و ۵۶ مورد راهنمایی پایان‌نامه کارشناسی ارشد، عملکرد طول متوسط دوره عضویت در هیأت علمی (۱۰ سال) می‌باشد. همچنین میانگین تولیدات در ده سال به ازای هر نفر عضو هیأت علمی ۰/۱۷۵ مقاله ISI، ۱/۲۷۵ مورد مقاله علمی - پژوهشی، ۲/۴ مورد مقاله علمی - ترویجی، ۱/۵ مورد تألیف کتاب، ۰/۳ مورد ترجمه کتاب، ۱/۷۵ مورد طرح تحقیقاتی و ۱/۴ مورد راهنمایی پایان‌نامه کارشناسی ارشد بوده است. بنابراین، بیشترین تولیدات مربوط به مقالات علمی - ترویجی بوده است که اغلب برای به دست آوردن امتیاز ارتقای پایه علمی سالانه انجام می‌شود و برابری نسبی تعداد مقالات ISI اساتید با مرتبه استادیاری، دانشیاری و استادی بیانگر همین مسئله در تبدیل وضعیت علمی است. البته بالا بودن نسبت مربیان به استادیار، دانشیار و استاد، به دلیل عدم تمایل در اجرای دستورالعمل ارتقا و تبدیل وضعیت مربیان به استادیاری در دانشگاه آزاد اسلامی و فقدان حمایت‌های مادی و معنوی برای ایجاد تسهیلات مناسب به منظور ادامه تحصیلات تکمیلی مربیان بخصوص ادامه تحصیل بدون آزمون (کنکور) آنان در دانشگاه‌های دولتی و آزاد اسلامی است که متأسفانه با رویکردهای محدود و نگرش بسته بعضی از مدیران دانشگاه آزاد، امکان استفاده از تسهیلات ادامه تحصیل بدون کنکور دولتی را نیز از دست می‌دهند.

جدول شماره ۲: رتبه‌بندی مؤلفه‌ها به تفکیک اساتید رشته‌های مختلف

مؤلفه‌ها		کل دانشگاه		علوم انسانی		علوم پایه و پزشکی	
رتبه	میانگین	رتبه	میانگین	رتبه	میانگین	رتبه	میانگین
۱۸۱	۴/۴۱	۱	۴/۴۶	۱	۴/۴۷	۶	۴/۴۷
۱۷۳	۴/۳۲	۳	۴/۲۵	۲	۴/۵	۵	۴/۵
۱۷۳	۴/۲۲	۴	۴/۱۷	۵/۵	۴/۵۴	۳/۵	۴/۵۴
۱۵۰	۳/۷۵	۲۲	۳/۶۴	۲۴	۴/۸	۱۸/۵	۴
۱۵۹	۴/۰۸	۹	۳/۹۲	۱۳	۴/۴۲	۸	۴/۴۲
۱۶۵	۴/۱۲	۸	۴/۰۷	۵/۵	۴/۲۵	۱۲	۴/۲۵
۱۶۱	۴/۱۳	۷	۳/۹۲	۱۳	۴/۵۸	۲	۴/۵۸
۱۷۱	۴/۱۷	۶	۳/۹۳	۱۰	۴/۶۹	۱	۴/۶۹
۱۳۴	۳/۶۲	۲۵	۳/۵۴	۲۵	۳/۲۲	۲۲	۳/۲۲
۱۶۳	۴/۰۷	۱۰	۳/۹۲	۱۳	۴/۳۸	۹	۴/۳۸
۱۵۳	۳/۷۳	۲۳	۳/۶۸	۲۳	۳/۸۵	۲۱	۳/۸۵
۱۶۱	۴/۰۲	۱۳	۳/۷۸	۲۱	۴/۵۴	۳/۵	۴/۵۴
۱۵۹	۳/۹۷	۱۵	۳/۹۳	۱۰	۴/۰۸	۱۶/۵	۴/۰۸
۱۶۳	۴/۱۸	۵	۴/۱۵	۴	۴/۲۵	۱۲	۴/۲۵
۱۵۸	۳/۸۵	۱۸	۳/۸۶	۱۹/۵	۴/۲۳	۱۴/۵	۴/۲۳
۱۳۲	۳/۳۸	۲۹	۳/۲۹	۲۸	۳/۳۶	۲۸	۳/۳۶
۱۳۸	۳/۵۴	۲۶	۳/۶۶	۲۷	۳/۸۳	۲۳	۳/۸۳
۱۷۴	۴/۳۵	۲	۴/۳۰	۳	۴/۴۶	۷	۴/۴۶
۱۵۲	۳/۸	۲۰	۳/۸۹	۱۶/۵	۳/۵۸	۲۶	۳/۵۸
۱۶۴	۴	۱۴	۳/۹۹	۱۶/۵	۴/۲۳	۱۴/۵	۴/۲۳
۱۶۶	۴/۰۵	۱۲	۳/۹۳	۱۰	۴/۳۱	۱۰	۴/۳۱
۱۵۶	۳/۹	۱۷	۳/۸۹	۱۶/۵	۳/۹۲	۲۰	۳/۹۲
۱۳۵	۳/۴۶	۲۸	۳/۳۷	۲۹	۳/۶۷	۲۴	۳/۶۷
۱۵۷	۳/۸۵	۱۹	۳/۷۵	۲۲	۴/۰۸	۱۸/۵	۴
۱۵۸	۳/۸۵	۱۶	۳/۸۹	۱۶/۵	۴/۰۸	۱۶/۵	۴/۰۸
۱۴۹	۳/۷۲	۲۴	۳/۹۶	۸	۳/۱۷	۲۹	۳/۱۷
۱۲۹	۳/۳۱	۳۰	۳/۴۸	۲۶	۲/۹۲	۳۰	۲/۹۲
۱۶۴	۴/۱	۱۱	۴/۰۳	۷	۴/۲۵	۱۲	۴/۲۵
۱۴۸	۳/۷۹	۲۱	۳/۸۶	۱۹/۵	۳/۶۴	۲۵	۳/۶۴
۱۳۹	۳/۴۷	۲۷	۳/۵	۳۰	۳/۴۲	۲۷	۳/۴۲

جدول شماره ۳: همبستگی رتبه‌بندی اساتید علوم انسانی و محاسبه شده (۴/۷۲۲) از T جدول در سطح اطمینان

۰/۹۹ و $a = ۰/۰۱$ و $df=۲۸$ (۲/۴۶۷) بزرگ‌تر است، با اطمینان ۹۹ درصد می‌توان نتیجه گرفت که همبستگی بین رتبه‌بندی دو گروه اساتید علوم انسانی، علوم پایه و پزشکی برای مؤلفه‌های تعیین شده معنی‌دار می‌باشد. به عبارت دیگر، رتبه‌بندی اساتید دو گروه در مورد رهیافت‌های فرهنگی و مدیریتی از پیوستگی و قرابت نزدیکی برخوردار است، به نحوی که تفاوت محسوس در رتبه‌بندی وجود ندارد.

رتبه‌بندی اساتید علوم پایه و پزشکی

$T_{\alpha=0,01}$	df	T	همبستگی بحرانی (r _b)	همبستگی رتبه ای اسپیرمن براون (r _s)
۲/۴۶۷	۲۸	۴/۷۲۲	۰/۴۸۸	۰/۶۶۶

داده‌های فوق میزان همبستگی رتبه‌بندی اساتید رشته‌های علوم انسانی و رشته‌های علوم پایه و پزشکی را براساس آزمون همبستگی اسپیرمن براون برابر $۰/۶۶۶ = r_s$ نشان می‌دهد که با توجه به میزان همبستگی بحرانی جدول مذکور در سطح اطمینان $۰/۹۹$ (۰/۴۴۸) معنی‌دار می‌باشد. از طرف دیگر براساس آزمون T کندال، چون T

رشته‌های مختلف روی رهیافت‌های فرهنگی و مدیریتی توسعه و تولید علم در دانشگاه‌ها توافق نظر دارند و اولویت‌گذاری آنها به هم تنیده است.

یافته‌ها

بر اساس دیدگاه اعضای هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی، از بین ۳۰ رهیافت مورد بررسی، به ترتیب موارد زیر در فرایند توسعه و بهبود تولیدات علمی دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی در اولویت و جایگاه بالاتری قرار گرفته‌اند و به کارگیری آنها می‌تواند در تحقق اهداف علمی جامعه مؤثر باشد.

۱. تعیین و تدوین استراتژی‌های کلان علمی و پژوهشی و ترسیم نقشه جامع آن، نه تنها موجب مداومت، جهت‌داری و درون‌نگری فعالیت‌های علمی می‌شود، بلکه عقلانیت، حسابگری و منطقی بودن آنها را در راستای ارشاد و هدایت فعالیت‌های جمعی برای تحقق مطلوب هدف‌ها به دنبال خواهد داشت که یقیناً علاوه بر تسریع، تسهیل و تعمیق پژوهش‌ها، از صرف وقت و انرژی برای کارهای مقطعی، تکراری، موازی و... جلوگیری خواهد کرد.

۲. رسیدگی به وضعیت معیشتی اساتید، دانشمندان و محققان زمینه‌ساز توسعه مسئولیت‌ها، پرورش نیازهای بلندمدت، و بلوغ آنان و در نتیجه، موجب اعتماد به نفس، افق دید، فعالیت، عمیق شدن علایق، استقلال شخصیت و داشتن راه‌حل برای مسائل و در نهایت، مشتاق شدن برای یادگیری و تولید علم مستمر خواهد شد.

۳. به کارگیری سیاست‌های واقع‌بینانه و مشخص برای فعالیت‌های علمی و پژوهشی و ترسیم هدف‌های روشن و مبتنی بر نیازهای علمی اجتماع، نه تنها موجب تعامل بهتر جامعه علمی و اجتماع می‌شود، بلکه زمینه‌های

جدول شماره ۴: مقایسه همبستگی رتبه‌بندی اساتید رشته‌های

علوم انسانی و کل اساتید

$T_{\alpha=0/01}$	df	T	همبستگی بحرانی (r_b)	همبستگی رتبه ای اسپیرمن براون r_s
۲/۴۶۷	۲۸	۹/۹۹۵	۰/۴۴۸	۰/۸۸۴

تجزیه و تحلیل اطلاعات نشان می‌دهد میزان همبستگی رتبه‌بندی اساتید رشته‌های علوم انسانی و کل اساتید گروه نمونه، مطابق آزمون همبستگی رتبه‌ای اسپیرمن براون معادل ۰/۸۸۴ است که در مقایسه با همبستگی بحرانی جدول مربوطه (۰/۴۴۸) معنی‌دار می‌باشد. از طرف دیگر، براساس آزمون T کندال، چون T محاسبه شده (۹/۹۹۵) از T جدول در سطح اطمینان ۰/۹۹ و $a = 0/1$ و $df = 28$ بزرگ‌تر است، با اطمینان ۹۹ درصد می‌توان نتیجه گرفت که همبستگی بین رتبه‌بندی دو گروه معنی‌دار بوده و بین رتبه‌بندی دو گروه اختلاف چندانی دیده نمی‌شود و دیدگاه اساتید علی‌رغم داشتن رشته‌های متفاوت، به هم بسیار نزدیک است.

جدول شماره ۵: مقایسه همبستگی رتبه‌بندی اساتید علوم انسانی و کل گروه

نمونه با رتبه‌بندی علوم انسانی و علوم پایه - پزشکی

r_{xz}	r_{xy}	\bar{z}_{r_z}	\bar{z}_{r_y}	Z	$Z_{\alpha} = 0/05$
۰/۸۸۴	۰/۶۶۶	۱/۳۹۸	۰/۷۹۳	۲/۲۲۴	۱/۶۵۴

تجزیه و تحلیل میزان همبستگی بین رتبه‌بندی اساتید رشته‌های علوم انسانی با کل اساتید و رتبه‌بندی اساتید علوم انسانی با علوم پایه و پزشکی دانشگاه آزاد اسلامی براساس آزمون Z فیشر، نشان می‌دهد که چون Z محاسبه شده (۲/۲۲۴) از Z جدول در سطح اطمینان ۰/۹۵ و $a = 0/05$ بزرگ‌تر است، پس با اطمینان ۹۵ درصد می‌توان نتیجه گرفت که بین رتبه‌بندی گروه‌های مذکور رابطه معنی‌داری وجود دارد. استادان

امساک‌پذیری و... سازگاری ندارد و یقیناً دانش‌پژوهی با جهل‌ورزی هرگز تناسبی نخواهد داشت.

۸. استفاده بهینه از منابع، امکانات و تسهیلات، تأکیدی است دوباره بر ضرورت افزایش بهره‌وری در مراکز علمی برای بیشترین بهره‌برداری از حداقل امکانات و منابع موجود به منظور تولید علم. این امر تداعی‌گر عدم جذب اعتبار مصوب جاری در پروژه‌های تحقیقاتی است که شاید از عوامل مهم آن، به کار نگرفتن رهیافت‌های اشاره‌شده باشد.

۹. ترسیم معیارهای مدیریتی و به کارگیری مدیریت علمی و پرهیز از مدیریت سیاسی و جناحی بر مراکز علمی، علاوه بر ایجاد فضایی امن و باز برای اظهارنظر و تبادل اندیشه‌ها و شکل‌گیری آزادگی علمی، موجب ثبات در فرایندها، جهت‌گیری‌ها، مداومت، هدفمندی و پویایی آن خواهد بود.

۱۰. توسعه آموزش‌های مربوط به آشنا کردن اساتید با زبان و ادبیات انگلیسی و زبان‌های بین‌المللی برای ارتقای مهارت در ایجاد ارتباط، مطالعه و تنظیم مقالات علمی، دسترسی به تازه‌های علمی در گستره جهانی، بحث و مناظره علمی، نظریه‌پردازی و... یقیناً علاوه بر معرفی توانمندی‌ها در چرخه تولید علم می‌تواند اثربخش باشد.

۱۱. محوریت دادن به پژوهش در نظام آموزش عالی به جای آموزش و تقویت روحیه تحقیق و ذهن کنجکاو و مدیریت علمی و حمایت عملی از نظریه‌پردازی و اجتهاد علمی و دقت در شناسایی، جذب و استخدام نیروهای متخصص و متعهد و ارائه تسهیلات برای ارتباط با مراکز علمی و همکاری‌های بین‌المللی، ترویج خصلت‌های دانشمندان در مراکز علمی و پژوهشی و برنامه‌ریزی برای کاهش مهاجرت نخبگان از رهیافت‌های مفید برای تسریع روند تولیدات علمی است.

کاربردی شدن تولیدات و همراه شدن آن با رفع معضلات و دشواری‌های جامعه و در نهایت، رفع نیازهای هر دو بین‌المللی و جامعه را به دنبال خواهد داشت.

۴. برنامه‌ریزی برای تحقق یک جامعه علمی به معنای واقعی کلمه از طریق ترویج ارزش‌های اسلامی و تبدیل آن به یک باور عمومی برای نهادینه کردن علم و تولید دانش، قدم بسیار اساسی و قطعاً دشوار برای توسعه همه‌جانبه و جامع در فرایند توسعه دانش‌های بنیادین، ارزش‌های اجتماعی و حتی نمادهای آن خواهد بود.

۵. در نظر گرفتن معیارهای علمی و دقیق برای انتخاب و سپردن مدیریت مراکز علمی به افراد ذی‌صلاح علمی و برخوردار از افق دید، جامع‌نگر، ایده‌پرداز، ایده‌فروش، و اجرا کردن ایده‌ها و هوش هیجانی بالا که بتواند بهترین شرایط کار (اعتماد، لذت و افتخار) را در محیط‌های علمی ایجاد نماید و از طریق اعتماد به نخبگان علمی و اخذ وفاداری و جلب حمایت آنان، بتواند با سرعت، جسارت، سلامتی، انرژی و نفوذ برای تسریع روند تولیدات علمی، توسعه‌دهنده تولیدکنندگان علم (کارکنان و دانشمندان) باشد.

۶. توسعه تولیدات علمی مستلزم رهیدن از قوانین کهنه و افزایش رضایت شغلی از طریق کنار زدن قوانین بازدارنده اداری برای شناسایی، جذب و استخدام نخبگان علمی و دادن فرصت‌های مطالعاتی برای دانش‌افزایی و به روزرسانی مهارت‌های فنی و تخصصی کادر علمی است که باید مورد نظر قرار گیرد.

۷. از رهیافت‌های مهم دیگر، استقرار مدیریت و حاکمیت قانون بر مراکز علمی و حذف و تعدیل برخوردهای سلیقه‌ای است که با روح فعالیت‌های علمی به عنوان یک فعالیت افزایشی، بلندمدت، منطقی، منظم، تجربی، مبتنی بر واقعیات، صبر و جرئت‌طلبی،

علمی در منطقه (مطابق چشم‌انداز بیست‌ساله) هم‌افزایی در تحقیقات و فعالیت‌های دانشگاهی و کم کردن شکاف علمی با کشورهای پیشرفته تنها با مدیریت علمی میسر می‌شود. در چنین حالتی، می‌توان از منابع موجود بهینه و مستمر در جهت دستیابی اهداف استفاده کرد، از دوباره‌کاری و موازی‌کاری جلوگیری، و دانش کاربردی تولید کرد. ولی باید متوجه بود که مهم‌ترین و اثربخش‌ترین عامل مدیریتی، فرهنگ و جنبه‌های انسانی آن است و شاید بزرگ‌ترین چالش فراروی مدیریت علمی نیز فرهنگ است. فرهنگ قادر است رسالت، آرمان، اهداف بلندمدت و اهداف کوتاه‌مدت را نمایان سازد. ارتقای فرهنگ و فرهنگ سازمانی برای داشتن نگرش مثبت در جهت انجام فعالیت‌های علمی، حاکمیت قانون به جای سلیقه‌های شخصی، وظیفه‌شناسی و شکل‌گیری مدیریت رابطه‌محور، همکاری و فعالیت‌های تیمی، تکوین نظام ارزشی و نهادینه شدن علم، کنترل و کاهش مهاجرت نخبگان، ارتقای منزلت اجتماعی علما و اندیشمندان، حفظ احترام و عزت علمی آنان، ترویج روحیه علمی و... ضرورتی واقعی است.

بر اساس نتایج به دست آمده از این مطالعه، می‌توان چنین نتیجه گرفت که عوامل فرهنگی و مدیریتی در توسعه تولیدات علمی دانشگاه‌ها می‌توانند نقش بسیار اساسی داشته باشند و رهیافت‌های مختلفی نیز در این زمینه قابل استفاده است که جنبه‌های انسانی و فرهنگی آنها مهم‌تر از جنبه‌های اقتصادی و مدیریتی است. از جنبه‌های فرهنگی، می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد: تدوین استراتژی‌ها و نقشه علمی (مؤثرترین عامل موردنظر اعضای هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی)، اعمال سیاست‌های واقع‌بینانه و مشخص، داشتن اهداف روشن و مبتنی بر تعامل علم و اجتماع، شکل‌گیری جامعه

۱۲. کاهش محدودیت‌های ارتباطی محققان داخل با مراکز مطالعاتی خارج، و زمینه‌سازی برای تبدیل تولید علم به یک ارزش عمومی در جامعه علمی، تقویت استقلال و آزادی علمی دانشگاه‌ها، تنظیم پروتکل و آداب فعالیت‌های علمی، مشارکت دادن اعضای هیأت علمی در انتخاب مدیران گروه‌ها، رؤسای دانشکده‌ها و حتی دانشگاه‌ها، آموزش مهارت‌های روش‌شناسی تحقیق، تعدیل برخوردهای نظامی و اطلاعاتی در محیط‌های علمی، مقابله با برخوردهای تند برخی مسئولان آموزش عالی، نظام‌شدن برگزاری همایش‌های علمی، تسهیل دسترسی به منابع مطالعاتی، و فرهنگ‌سازی برای احترام به محققان و دانشمندان در جامعه، و آموزش مهارت‌های عملی تحقیق، به ترتیب از رهیافت‌های مؤثر شناخته شدند.

۱۳. تجزیه و تحلیل اطلاعات همبستگی بین رتبه‌بندی مؤلفه‌های مورد مطالعه در بین کل اساتید گروه نمونه مورد مطالعه، اساتید علوم انسانی، علوم پایه و پزشکی را معنی‌دار نشان می‌دهد که بر اساس آزمون‌های همبستگی اسپیرمن براون، T کندال، Z فیشر در سطح اطمینان ۰/۹۹ و $a = 0/01$ تأیید گردید که مبین توافق دیدگاه آنان در این مقوله است.

بحث و نتیجه‌گیری

امروزه دانشگاه‌ها در بازار اندیشه و استفاده از مدیریت دانش در جهت تحقق اهداف جایگاه روشنی دارند. توسعه آموزش‌ها در یک ساختار مناسب، هرچند می‌تواند مؤثر باشد، اما اگر دانش کسب‌شده مدیریت نشود و توسعه علم در راستای نیازهای جامعه نباشد، نمی‌تواند مشکلات را حل نماید. براین اساس، برای پیشرفت سریع علمی و برای دستیابی به قدرت اول

- علمی، و افزایش فرصت‌های مطالعاتی برای روزآمد شدن توان تخصصی اساتید. از جنبه‌های مدیریتی نیز می‌توان به مواردی نظیر: رسیدگی به وضعیت معیشتی دانشمندان، استفاده از چهره‌های علمی و فرهنگی در مدیریت، پرهیز از مدیریت جناحی، حمایت عملی از نظریه‌پردازی و اجتهاد علمی، تسهیل ارتباطات علمی بین‌المللی و حفظ و ارتقای استقلال و آزادی علمی و ثبات شغلی دانشگاه‌ها اشاره کرد. بنابراین، بزرگ‌ترین چالش فراروی توسعه تولیدات علمی دانشگاه‌ها، فرهنگ است؛ امری که روی آن اساتید رشته‌های مختلف دانشگاهی توافق داشته‌اند. ایجاد فرهنگ مطلوب و مدیریت مناسب، سرعت، کیفیت و مطلوبیت تولیدات علمی دانشگاه‌ها را ارتقا خواهد داد.
۲۰۸. ص
- ۱۱- مجتبی عطارزاده، «دانشگاه و نوآوری؛ کارکرد و آسیب‌شناسی»، *دانشگاه اسلامی*، سال دوازدهم، ش ۴، ص ۳۷.
- ۱۲- پاتولو فریره، *کنش فرهنگی برای آزادی*، ترجمه احمد بیرشک، ص ۱۵.
- ۱۳- فدریکو مایورو آگوستوفوری، *علم و قدرت*، ترجمه پریدخت وحیدی، ص ۱۳۷.
- ۱۴- مجتبی عطارزاده، همان، ص ۳۷.
- ۱۵- مهدی بخشی و بهنام بهاری، *دیدگاه‌های مختلف درباره جهانی‌شدن فرهنگی و چالش‌های فرهنگ دانشجویی*، ص ۹۲.
- ۱۶- کیت نش، *جامعه‌شناسی سیاسی معاصر: جهانی‌شدن، سیاست و قدرت*، ترجمه محمدتقی دلفروز، ص ۵۰.
- ۱۷- رضا دژاکام، «نقش دانشجویان در تحولات سیاسی و اجتماعی از دیدگاه امام خمینی»، *دانشگاه اسلامی*، سال ششم، ش ۱۵، ص ۵۱.
- ۱۸- احمد گل محمدی، *جهانی‌شدن، فرهنگ و هویت*، ص ۱۲۴.
- ۱۹- برهان غلیون، «مدرن‌گرایی فرهنگی و بحران هویت»، ترجمه مهدی خلجی، *نقدونظر*، ش ۱۵، ص ۲۹۳.
- ۲۰- علی شریعتمداری، *جامعه و تعلیم و تربیت*، ص ۲۹.
- ۲۱- داریوش آشوری، *تعریف‌ها و مفهوم فرهنگ*، ص ۱۱۴.
- ۲۲- علی شریعتمداری، همان، ص ۳۰.
- ۲۳- سیدمهدی الوانی، و سید محمدحسین هاشمیان، *ارائه مدل بومی سیاست‌گذاری متوازن بخش فرهنگ*، همایش ملی توسعه و تحول در فرهنگ و هنر، ج ۱، ص ۱۸۷.
- ۲۴- همان، ص ۱۸۸.
25. John B. Tompson, *Ideology and Modern Cultur*, p. 122-124.
- ۲۶- علی شریعتمداری، همان، ص ۳۰-۳۷.
- ۲۷- همان، ص ۳۷.
- ۲۸- همان، ص ۳۸-۴۳.
- ۲۹- کاوه احمدی علی‌آبادی، *تبیینی از برنامه‌ریزی توسعه فرهنگی در ایران*، همایش ملی توسعه و تحول در فرهنگ و هنر، ج ۱، ص ۱۳۲-۱۵۷.
- ۳۰- محسن فرمبینی فراهانی، *بررسی راهبردها و راه‌کارهای تحقق اهداف فرهنگی در سند چشم‌انداز بیست ساله جمهوری اسلامی*، همایش ملی توسعه و تحول در فرهنگ و هنر، ص ۲۴۳-۲۴۴.
- ۳۱- همان، ص ۲۴۰.
- ۳۲- مصطفی معین، *موانع توسعه علمی ایران*، مجموعه مقالات علمی، و افزایش فرصت‌های مطالعاتی برای روزآمد شدن توان تخصصی اساتید. از جنبه‌های مدیریتی نیز می‌توان به مواردی نظیر: رسیدگی به وضعیت معیشتی دانشمندان، استفاده از چهره‌های علمی و فرهنگی در مدیریت، پرهیز از مدیریت جناحی، حمایت عملی از نظریه‌پردازی و اجتهاد علمی، تسهیل ارتباطات علمی بین‌المللی و حفظ و ارتقای استقلال و آزادی علمی و ثبات شغلی دانشگاه‌ها اشاره کرد. بنابراین، بزرگ‌ترین چالش فراروی توسعه تولیدات علمی دانشگاه‌ها، فرهنگ است؛ امری که روی آن اساتید رشته‌های مختلف دانشگاهی توافق داشته‌اند. ایجاد فرهنگ مطلوب و مدیریت مناسب، سرعت، کیفیت و مطلوبیت تولیدات علمی دانشگاه‌ها را ارتقا خواهد داد.
- پی‌نوشت‌ها
1. Cultural Development.
- ۲- ایرج سلطانی، «مهارت‌ها و شایستگی‌های موردنیاز مدیران فرهنگی برای توسعه و تحول»، همایش ملی توسعه و تحول در فرهنگ و هنر، ج ۱، ص ۲۸۵.
- ۳- جواد منصوری، *فرهنگ و استقلال*، ص ۱.
- ۴- محمدباقر بابایی، *مبانی استراتژی فرهنگی از دیدگاه امام علی (ع)*، ص ۸.
- ۵- چنگیز پهلوانی، *فرهنگ‌شناسی*، ص ۱۲.
6. B. Sampt and D. Mowery, *University in National innovation System*, p. 209.
- ۷- سیف‌اله فضل‌الهی، «شناسایی و طبقه‌بندی موانع تولید علم از دیدگاه اعضای هیأت علمی دانشگاه‌های قم»، *معرفت*، ش ۱۴۱، ص ۱۲۸.
- ۸- همان.
- ۹- همان، ص ۱۲۹.
- ۱۰- عباس عبدی و محسن گودرزی، *تحولات فرهنگی در ایران*،

- ۵۰- سیف‌اله فضل‌الهی، همان، ص ۱۲۷.
- ۵۱- رضا نوروزاده و همکاران، «آسیب شناسی تولید علم در ایران با تأکید بر تولیدات علمی در علوم انسانی؛ تبیین وضعیت موجود، شناسایی موانع و ارائه راه‌کارهای عملی و کاربردی»، بنیاد پژوهش‌های قرآنی حوزه و دانشگاه، سایت بنیاد پژوهش‌های قرآنی حوزه و دانشگاه، ۱۷ اسفند، www.suqr.ir
- ۳۳- مهدی ابراهیمی، زمینه‌ها و عناصر اساسی تولید علم، مجموعه مقالات درآمدی بر آزاداندیشی و نظریه‌پردازی در علوم دینی، دفتر اول، ص ۵۷.
- ۳۴- همان، ص ۵۸.
35. M. Schler, *Problems of a Society of Knowledge*, tr. M. S. Fring, p. 100.
- ۳۶- مجتبی عطارزاده، «دانشگاه و نوآوری؛ کارکرد و آسیب‌شناسی»، *دانشگاه اسلامی*، سال دوازدهم، ش ۴، ص ۲۳، ص ۲۸.
37. K. Smith, *What is The Knowledge Economy?*, p. 43.
38. K. Smith, op.cit, p. 26.
- ۳۹- رؤیا برات‌پور، بررسی عوامل تأثیرگذار بر فعالیت‌های علمی - پژوهشی اعضای هیأت علمی گروه‌های کتابداری دانشگاه‌های دولتی ایران از دیدگاه آنان، ص ۹۸.
- ۴۰- مجتبی عطارزاده، «ناکارآمدی دانشگاه در روند پیشرفت علمی و فرهنگی کشور»، *دانشگاه اسلامی*، سال نهم، ش ۲۵ و ۲۶، ص ۲۷.
- ۴۱- مهدی محمدی، سیف‌اله فضل‌الهی و مه‌ری ایزدی‌یگانه، بررسی میزان تولیدات علمی اعضای هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم و آسیب‌شناسی آن، ص ۷۷-۸۶.
- ۴۲- مصطفی معین، همان، ص ۲۴۹-۲۵۰.
- ۴۳- همان، ص ۲۵۰.
- ۴۴- همان، ص ۲۵۳-۲۵۹.
- ۴۵- مسعود کورکی، «بررسی عوامل مؤثر بر عدم گرایش به نگارش مقالات علمی از دیدگاه اعضای هیأت علمی دانشگاه علوم پزشکی همدان»، *مجله علمی دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی - درمانی همدان*، ش ۴۶، ص ۵۹.
- ۴۶- مسعود رسول‌آبادی، «بررسی میزان آشنایی اعضای هیأت علمی و سایر مدرسین دانشگاه علوم پزشکی کردستان با شیوه‌های جست‌وجوی اطلاعات در اینترنت و رابطه آن بر فعالیت‌های علمی و پژوهشی آنان»، *نما*، دوره هفتم، ش ۲، ص ۲۶.
- ۴۷- مجتبی عطارزاده، «دانشگاه، نوآوری؛ کارکرد و آسیب‌شناسی»، *دانشگاه اسلامی*، ش ۴، ص ۲۳.
- ۴۸- مهدی بخشی و بهنام بهاری، «دیدگاه‌های مختلف درباره جهان‌شده شدن فرهنگ و چالش‌های فرهنگ دانشجویی»، *دانشگاه اسلامی*، سال دوازدهم، ش ۴۰، ص ۸۳.
- ۴۹- عبدالرضا حاجیلری، «بررسی موانع فرهنگی عدم توسعه کار جمعی و گروهی و تشکلهای و مجموعه‌های دانشجویی»، *دانشگاه اسلامی*، ش ۴، ص ۱۱۷-۱۱۸.
- ۵۰- سیف‌اله فضل‌الهی، همان، ص ۱۲۷.
- ۵۱- رضا نوروزاده و همکاران، «آسیب شناسی تولید علم در ایران با تأکید بر تولیدات علمی در علوم انسانی؛ تبیین وضعیت موجود، شناسایی موانع و ارائه راه‌کارهای عملی و کاربردی»، بنیاد پژوهش‌های قرآنی حوزه و دانشگاه، سایت بنیاد پژوهش‌های قرآنی حوزه و دانشگاه، ۱۷ اسفند، www.suqr.ir
- منابع**
- آشوری، داریوش، *تعریف‌ها و مفهوم فرهنگ*، تهران، آگاه، ۱۳۸۱.
- ابراهیمی، مهدی، *زمینه‌ها و عناصر اساسی تولید علم*، مجموعه مقالات درآمدی بر آزاداندیشی و نظریه‌پردازی در علوم دینی، قم، حوزه علمی، ۱۳۸۴.
- احمدی علی‌آبادی، کاوه، *تبیین از برنامه‌ریزی توسعه فرهنگی در ایران*، همایش ملی توسعه و تحول از فرهنگ و هنر، تهران، سوره مهر، ۱۳۸۸.
- الوانی، سیدمهدی و سید محمدحسین هاشمیان، *ارائه مدل بومی سیاست‌گذاری متوازن بخش فرهنگ*، تهران، همایش ملی توسعه و تحول در فرهنگ و هنر، تهران، سوره مهر، ۱۳۸۸.
- بابایی، محمدباقر، *مبانی استراتژی فرهنگی از دیدگاه امام علی (ع)*، تهران، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ۱۳۸۱.
- بخشی، احمد و بهنام بهاری، «دیدگاه‌های مختلف درباره جهان‌شده شدن فرهنگ و چالش‌های فرهنگ دانشجویی»، *دانشگاه اسلامی*، سال دوازدهم، ش ۴۰، زمستان ۱۳۸۷، ص ۸۳-۱۰۰.
- برات‌پور، رؤیا، *بررسی عوامل تأثیرگذار بر فعالیت‌های علمی - پژوهشی اعضای هیأت علمی گروه‌های کتابداری دانشگاه‌های دولتی ایران از دیدگاه آنان*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد کتابداری، دانشکده مدیریت و اطلاع‌رسانی پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی ایران، ۱۳۸۱.
- پهلوان، چنگیز، *فرهنگ‌شناسی*، تهران، قطره، ۱۳۷۸.
- حاجیلری، عبدالرضا، «بررسی موانع فرهنگی عدم توسعه کار جمعی و گروهی در تشکلهای و مجموعه‌های دانشجویی»، *دانشگاه اسلامی*، سال دوازدهم، ش ۴، زمستان ۱۳۸۷، ص ۱۰۱-۱۲۰.
- دژاکام، رضا، «نقش دانشجویان در تحولات سیاسی و اجتماعی از دیدگاه امام خمینی»، *دانشگاه اسلامی*، سال ششم، ش ۱۵، زمستان ۱۳۸۱، ص ۴۹-۷۰.
- رسول‌آبادی، مسعود، «بررسی میزان آشنایی اعضای هیأت علمی

- و سایر مدرسین دانشگاه علوم پزشکی کردستان با شیوه‌های جست‌وجوی اطلاعات در اینترنت و رابطه آن بر فعالیت‌های علمی و پژوهشی آنان»، نما، دوره هفتم، ش ۲، تیر ۱۳۸۶، ص ۲۶-۳۴.
- سلطانی، ایرج، مهارت‌ها و شایستگی‌های موردنیاز مدیران فرهنگی برای توسعه و تحول، همایش ملی توسعه و تحول در فرهنگ و هنر، تهران، سوره مهر، ۱۳۸۷.
- شریعتمداری، علی، جامعه و تعلیم و تربیت، تهران، آگاه، ۱۳۷۰.
- صادقی، عباس، بررسی مشکلات تحقیق در رشته‌های علوم انسانی از دیدگاه اساتید علوم انسانی دانشگاه اصفهان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته علوم تربیتی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه اصفهان، ۱۳۷۰.
- عبدی، عباس و محسن گودرزی، تحولات فرهنگی در ایران، تهران، سروش، ۱۳۷۸.
- عطارزاده، مجتبی، «دانشگاه و نوآوری؛ کارکرد و آسیب‌شناسی»، دانشگاه اسلامی، سال دوازدهم، ش ۴، زمستان ۱۳۸۷، ص ۲۳-۴۲.
- عطارزاده، «مجتبی، ناکارآمدی دانشگاه در روند پیشرفت علمی و فرهنگی کشور»، دانشگاه اسلامی، سال نهم، ش ۲۵ و ۲۶، بهار و تابستان ۱۳۸۴، ص ۴۷-۸۰.
- غلیون، برهان، «مدرن‌گرایی فرهنگی و بحران هویت»، ترجمه مهدی خلجی، نقد و نظر، ش ۱۵، تابستان و پاییز ۱۳۷۷، ص ۳۹۷-۳۷۱.
- فرمهبینی فراهانی، محسن، بررسی راهبردها و راهکارهای تحقق اهداف فرهنگی در سند چشم‌انداز بیست ساله جمهوری اسلامی، همایش ملی توسعه و تحول در فرهنگ و هنر، تهران، سوره مهر، ۱۳۸۸.
- فضل‌الهی، سیفاله، «شناسایی و طبقه‌بندی موانع تولید علم از دیدگاه اعضای هیأت علمی دانشگاه‌ها»، معرفت، ش ۱۴۱، شهریور ۱۳۸۸، ص ۱۲۷-۱۴۲.
- کریمیان، زهرا، بررسی موانع فعالیت‌های تحقیقاتی در دانشگاه از دیدگاه اعضای هیأت علمی دانشگاه علوم پزشکی شیراز، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته علوم تربیتی، تهران، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۷.
- کورکی، مسعود، «بررسی عوامل مؤثر بر عدم گرایش به نگارش مقالات علمی از دیدگاه اعضای هیأت علمی دانشگاه علوم پزشکی همدان»، مجله علمی دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی - درمانی همدان، ش ۴۶، زمستان ۱۳۸۶، ص ۵۹-۶۳.
- گل‌محمدی، احمد، جهانی‌شدن، فرهنگ و هویت، تهران، نی، ۱۳۸۱.
- مایور، فدریکو فوری، آگوستو، علم و قدرت، ترجمه پریدخت وحیدی، تهران، برنامه و بودجه، ۱۳۷۷.
- محمدی، رضا و همکاران، ارزشیابی کیفیت در آموزش عالی (مفاهیم، اصول، روش‌ها و معیارها)، تهران، سنجش و آموزش کشور، ۱۳۸۴.
- محمدی، مهدی و سیفاله فضل‌الهی و مهتری ایزدی یگانه، بررسی میزان تولیدات علمی اعضای هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم و آسیب‌شناسی آن، قم، دانشگاه آزاد اسلامی، ۱۳۸۴.
- معین، مصطفی، موانع توسعه علمی ایران، مجموعه مقالات درآمدی بر آزاداندیشی و نظریه‌پردازی در علوم دینی، قم، حوزه علمی، ۱۳۸۴.
- منصوری، جواد، فرهنگ و استقلال، چ سوم، تهران، وزارت امور خارجه، ۱۳۷۳.
- نش، کیت، جامعه‌شناسی سیاسی معاصر: جهانی‌شدن، سیاست و قدرت، ترجمه محمدتقی دلفروز، چ سوم، تهران، کویر، ۱۳۸۴.
- نوروززاده، رضا و همکاران، «آسیب‌شناسی تولید علم در ایران با تأکید بر تولیدات علم در علوم انسانی؛ تبیین وضعیت موجود، شناسایی موانع و ارائه راهکارهای عملی و کاربردی»، بنیاد پژوهش‌های قرآنی حوزه و دانشگاه، ۱۷ اسفند WWW.SUQR.IR
- Mowery, d and b, Sampt, *University in National Innovation System*, Oxford University Press, 2004.
- Smith, K, *What is The knowledge Economy?*, Regions and Natiois specific instutions, 2000.
- Schler, M, *Problems of a Society of knowledge*, tr. M.S. Frings, RKP, 1980.
- Tompson, John, B, *Ideology and Modern Culture*, Cambridge, Polity Press, 1990.